

ایپک: داستان اختاپوس صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا

یاسر زغیب، ایپاک؛ قصة الاخطبوط الصهيوني في الولايات المتحدة الامريكية، بيروت: دارالندى، ۱۹۹۸، ۲۳۱ ص.

مهدی قوبدل دوستکوهی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل

دانشگاه شهید بهشتی

این کتاب، بازگوکننده حقایق و شواهد داستان نفوذ یهود و صهیونیسم در ایالات متحده آمریکا است. این کار از طریق بررسی «کمیتة امور عمومی آمریکایی-اسرائیلی» موسوم به ایپک^۱ صورت می‌گیرد. ما قصد داریم از این طریق، لابی صهیونیستی و شیوه کار آن را بشناسیم و میزان نفوذ و کنترل آن بر مراکز حساس سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی دستگاههای دولتی آمریکا را بدانیم. تجربه یهود در آمریکا یکی از مهمترین تجارب سیاسی و پیچیده ترین و عجیبترین آن در جهان است.

یهودیان آمریکا که حدود ۲ درصد جامعه آن کشور را تشکیل می‌دهند، بازی سیاسی داخلی را هدایت می‌کنند. آنها بر سیاست خارجی آمریکا در مسایل مربوط به اسرائیل و خاورمیانه تسلط کامل دارند. سیاستمداران آمریکایی برای ارتقای شغلی و نامزدی برای احراز پستهای دولتی و مجلس سنا و نمایندگی مجلس به مسئولان ایپک رجوع می‌کنند.^۲

این کتاب، متشکل از یک مقدمه، چهار فصل و چند ضمیمه است. نویسنده در مقدمه کتاب می‌گوید که یهودیان آمریکا به خاطر طبیعت نظام سیاسی و اقتصادی و دینی حاکم بر جامعه آمریکایی، زمینه مناسبی برای ایفای نقش سیاسی بزرگ به دست آورده اند. بنابراین، در چهارچوب قوانین آمریکا اقدام به تشکیل لابی یهودی کردند و در جامعه و نهادهای رسمی و غیر رسمی آمریکا نفوذ نموده و تبدیل به یک گروه فشاری شدند که می‌توانند در سیاست آمریکا نسبت به یهودیان اسرائیل در صورت لزوم تغییراتی به وجود آورند. در این میان، «ایپک»، ستون فقرات لابی صهیونیستی در آمریکا است. بر کسی پوشیده نیست که

آمریکا در استراتژی خود در خاورمیانه متعهد به حمایت از اسرائیل و تضمین برتری نظامی و کیفی آن بر کشورهای منطقه است. عواملی که به لابی یهودی کمک کرد تا با توجه به تعداد اندک در جامعه آمریکا به قدرت برسند عبارتند از:

۱. عامل دین

ریشه فکری صهیونیسم، ۲۵۰ سال قبل از تئودور هرتزل و قبل از کنگره بال سوئیس (۱۸۹۷) در میان مسیحیت غیریهودی رواج پیدا کرد. جنبشهای مسیحی پروتستان و پیوریتنها که در اواسط قرن ۱۷ در اروپا و آمریکا ظاهر شدند، بر این باور بودند که قبل از بازگشت مسیح، باید یهودیان به فلسطین باز گردند. این جنبشها، افکار عمومی مؤید فکر بازگشت یهودیان به فلسطین را به وجود آوردند و در ایالات متحده، رشد و پیشرفت کردند، به طوری که بیش از ۴۰ میلیون نفر از مردم آمریکا به پروتستانیسم که خواهان بازگشت یهودیان به فلسطین است، وابستگی دارند. پروتستانها معتقدند که قبل از بازگشت مسیح، سه کار باید صورت گیرد:

یکم، تشکیل اسرائیل، دوم اشغال بیت المقدس و پایتختی اسرائیل، سوم، احداث معبد سلیمان بر خرابه های مسجد القصی.

۲. عامل طبیعت سیستم آزاد در

ایالات متحده آمریکا

در فضای سیستم آزاد لیبرال دموکراسی، نظام موجود در آمریکا شاهد آزادیهای فکری، سیاسی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی است. نظام لیبرال دموکراسی آمریکا، زمینه را برای آزادی عمل یهودیان فراهم ساخت. با توجه به ارتباط مذهبی و روحی بین پروتستانها و یهودیت، یهودیان توانستند با استفاده از نفوذ پروتستانها، در نهادهای دولتی و غیردولتی رخنه کنند.

۳. تلاقی منافع آمریکا و یهودیان در

قبال فلسطین

آمریکا تشکیل کشور یهودی در فلسطین را با منافع خود در منطقه خاورمیانه سازگار می داند. این، به خاطر نفت و موقعیت استراتژیک خاورمیانه است. اسرائیل، حامل ارزشهای غرب می شود و از

منافع آمریکا دفاع نموده، نقش پلیس آمریکایی را در منطقه ایفا می کند.

فصل اول کتاب، تحت عنوان «یهودیان و لابی صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا» ارائه شده است. هم اکنون در آمریکا نزدیک به ۵٫۵ میلیون یهودی به سر می برند که تقریباً ۲ درصد کل جمعیت آمریکا را تشکیل می دهند. جامعه شناسانی مانند استیون کوهن، استاد دانشکده کوینز دانشگاه نیویورک به سرعت عجیب ادغام و ذوب یهودیان در جامعه آمریکا اشاره می کند و می گوید: «یهودیان در بافت طبقاتی اجتماعی آمریکا جایگاه مهمی به دست آورده اند. در زمینه اقتصادی ۱۰ درصد یهودیان آمریکا به طبقه بورژوازی وابسته اند. جالب این که افزایش گرایش یهودیان آمریکا به ارائه صبغه آمریکایی و یا آمریکایی شدن، موجب نشده است که آنها از هویت یهودی خود فاصله بگیرند.»

موجودیت قانونی لابی صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا به قانون آمریکایی سال ۱۹۴۶ بر می گردد که به گروههای مختلف اجازه می دهد گروههای فشار تشکیل دهند تا منافعشان تأمین گردد.

براساس این قانون، کمیته امور عمومی آمریکایی و اسرائیلی ایک در سال ۱۹۵۴ تشکیل شد. از آن زمان، این کمیته، تنها لابی صهیونیستی در آمریکا است. اثرگذاری لابی صهیونیستی در آمریکا از دو طریق اساسی صورت می گیرد؛ نخست، تأثیرگذاری از طریق راههای مستقیم که بر این اساس، تماسها و نشستهایی با مسئولان بلند پایه آمریکایی، از جمله رئیس جمهور و سناتورها و نمایندگان مجلس و کارمندان بلندپایه وزارت خارجه صورت می پذیرد. دوم، اثرگذاری از طریق راههای غیرمستقیم است. لابی صهیونیستی، مسایل مختلف را از طریق رسانه ها و مطبوعات و سمینارها، نامه ها و تبلیغات فشرده مطرح می کند تا نظر افکار عمومی آمریکا را جلب نماید. یک افسر رابط یهودی در کاخ سفید می گوید: «بین مارس ۱۹۸۱ تا آوریل ۱۹۸۳، گروهها و رهبران یهودی توانستند حداقل ۳۵۰ ملاقات و مصاحبه در سطوح مختلف با کارمندان کاخ سفید، وزارت خارج و وزارت دفاع ترتیب دهند که معادل یک ملاقات در هر دو روز است.»

آگاهان به مسایل و تاریخ یهودیان

آمریکا می‌دانند که آنها به اشتباه خود در اروپا به خاطر انزوایشان از جوامعی که در آن زندگی می‌کردند و در «گتوها» به سر می‌برند پی برده و در تعامل با جامعه آمریکا و جوامع دیگر، استراتژی جدیدی پی‌ریزی کردند تا ادغام عملی صورت گیرد. این در حالی است که با توجه به حس برتری یهودیان، آنها توانسته‌اند در تمام مراکز حیاتی آمریکا - خواه رسمی، خواه غیررسمی - رخنه کنند همچنان، ۲۰ درصد از میلیونرهای آمریکایی یهودی هستند. بیشتر یهودیان آمریکایی برای دولت ملی خود، یعنی اسرائیل کار می‌کنند و در فکر منافع ملی خود هستند.

فصل دوم کتاب به چگونگی تشکیل «ایپک» و روند تحول و ساختار آن می‌پردازد. «اشعیا کتن»^۳ مؤسس ایپک می‌گوید: «هدف از تأسیس این کمیته افزایش کمکهای اقتصادی آمریکا به اسرائیل بود.» وی در کتابی می‌نویسد: «اسرائیل در سال ۱۹۵۱ - که سه سال پس از آن ایپک تأسیس شد - اسرائیل به کمک اقتصادی آمریکا برای جذب مهاجران نیاز داشت، ولی وزارت خارجه آمریکا از بیم خشم اعراب با

هرگونه کمک بلاعوض اقتصادی به اسرائیل مخالفت می‌کرد. این امر، موجب شد که از طریق لابی صهیونیستی برای اعمال فشار، از کنگره کمک خواسته شود.» در سال ۱۹۴۷، کتن، روزنامه‌نگار آژانس یهودی در نیویورک و در سال ۱۹۴۸ پس از تأسیس اسرائیل، سخنگوی هیأت جدید اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل بود. وی در سال ۱۹۵۴، تأسیس ایپک را اعلام کرد.

کمیته امور اسرائیلی آمریکایی، دارای چهار سمت اساسی است که عبارتند از مدیر اجرایی و معاون وی، رییس ایپک و معاون اول رییس.

ایپک یک نشست سالانه دارد که طی آن، سیاست کلی سال آینده با توجه به تحولات سال گذشته مشخص می‌شود. این نشست در واقع، کارناوال سالانه ایپک است که برنامه‌هایش به دولت آمریکا و سیاستمداران این کشور تحمیل می‌گردد. ۵۵ هزار نفر در ایپک عضو هستند. در کنفرانس سال ۱۹۹۶، تعداد ۲۵۰۰ نفر شرکت کردند که ۹۰۰ نفرشان دانشجویان یهودی از ۲۰۰ دانشگاه آمریکایی بودند. در حال، در نشست سالانه ایپک، حضور

جوانان و دانشجویان یهودی قابل توجه است و زمینه را برای تربیت کادرهای آینده سیاسی آماده می‌کند تا در نهادها و ادارات رسمی و غیر رسمی آمریکا جذب شوند. ایپک اصرار دارد که نخست وزیر اسرائیل و شخصیت‌های طراز اول آمریکایی و در رأس آنها رییس جمهور، رییس کنگره و وزیران خارجه و دفاع در نشست سالانه اش حضور یابند. ایپک برنامه‌های سالانه خود را به سمع این حضار می‌رساند. سالن کنفرانس سالانه و یا جلسات فرعی که در حاشیه برگزار می‌شود، شبیه صحنه مسابقه سیاستمداران آمریکایی برای ابراز وفاداری به اسرائیل است. در کنفرانس سال ۱۹۹۶ ایپک، بیل کلینتون، رییس جمهور وقت آمریکا، وارن کریستوفر، وزیر خارجه وقت آمریکا، ۴۴ تن از سناتورها و حدود ۱۰۰ نفر از نمایندگان مجلس حضور داشتند و در ضیافت شام ترتیب یافته از سوی «ایتمار رابینوویچ»، سفیر اسرائیل در آمریکا شرکت کردند.

روابط ایپک با مسئولان کاخ سفید در دوره رونالد ریگان افزایش یافت به طوری که جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا در سال

۱۹۸۶ با مدیر اجرایی ایپک (نه با رهبران کنگره) دیدار کرد تا از سطح معاملات تسلیحاتی مورد نظر ایپک که آمریکا با عربستان سعودی منعقد می‌کند کسب اطلاع نماید.

بودجه ایپک در زمان تأسیس، یعنی سال ۱۹۵۴ به میزان ۵۰ هزار دلار بود و کنن، اولین مدیر اجرایی آن ۱۳ هزار دلار دستمزد داشت. در سال ۱۹۹۶، بودجه ایپک از مرز ۱۴ میلیون دلار گذشت. در حال حاضر، بودجه و نیاز مالی ایپک از طریق اعضا و سازمانهای زیر مجموعه تأمین می‌گردد و بدون تردید، بودجه واقعی ایپک، مخفی نگه داشته می‌شود. ایپک برای این که حرف خود را به گوش دیگران برساند به یک وسیله اکتفا نمی‌کند، بلکه به برگزاری کنفرانسها و چاپ روزنامه و مجلات و استفاده از رسانه‌ها و مطالعات در مورد مسایل مشخص می‌ردازد. به عنوان مثال، ایپک، یک «فهرست جدید سیا» دارد که در قالب یک هفته نامه موسوم به Activites^۴ منتشر می‌شود. این هفته نامه، ویژه انتشار فهرست اسامی افراد و سازمانهایی است که از اسرائیل انتقاد می‌کنند. این در حالی است که ایپک رابطه

خود را با این نشریه، علنی نمی کند. «جان سنونو»، رییس سابق کارمندان کاخ سفید، «کاسپار واینبرگر»، وزیر دفاع کابینه ریگان، جیمی کارتر، رییس جمهور اسبق آمریکا، «جورج مک جفرن»، نامزد سابق دموکرات برای ریاست جمهوری، از جمله سیاستمدارانی هستند که اسامیشان در این نشریه درج شده بود. ریاست بخش سری ایپک را هم اکنون مایکل لوئیس، پسر برنارد لوئیس، مستشرق و استاد دانشگاه پرینستون بر عهده دارد. نه تنها اسامی سیاستمداران در پرونده های لوئیس دیده می شود، بلکه اسامی کومیدین ها دانشگاهیان و اصحاب رسانه ها نیز وجود دارد.

ایپک از ابزارهای اطلاع رسانی زیر برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کند:

۱. تئاتر^۵

صهیونیستها معتقدند تئاتر نقش مهمی در هدایت جهت دادن افکار عمومی دارد. با توجه به توانایی مالی یهودیان، آنها توانسته اند مهمترین سالنهای تئاتر را در شهرهای مهم به تملک خود در آورند. یهودیان

از تئاتر برای اهداف سیاسی استفاده می کنند.

۲. مطبوعات^۶

صهیونیستها در آمریکا بر این باورند که مطبوعات، مهمترین و برجسته ترین رسانه جمعی برای به چالش کشیدن افکار مخاطب است. هم اکنون، یهودیان آمریکا، صاحب روزنامه های مهمی چون نیویورک تایمز، واشنگتن پست، ژورنال هرالد و ... هستند.

۳. سینما

حتی قبل از تأسیس ایپک در سال ۱۹۵۴، صهیونیستها از سینما به عنوان سکوی اطلاع رسانی مطلوب خود استفاده می کردند. آنها سینما را مهمتر از روزنامه و مجله می دانند، زیرا به سراسر جهان می رود. آمریکا بزرگترین صادرکننده فیلم در جهان است و سینمای آمریکا، سینمای صهیونیستی است. صهیونیستها مهمترین شرکتهای فیلم سازی مثل «شرکت مسترو گولدن مایر» و «شرکت فوکس برای قرن ۲۰» را در اختیار دارند.

یهودیان، رادیو و تلویزیون را مهمترین وسیله برای مخاطب قرار دادن افکار عمومی می دانند. هم اکنون شرکت ملی رادیو (اف.بی.سی)، شبکه رادیویی کلمبیا (سی.بی.اس) و شرکت رادیویی آمریکا (ای.بی.سی) را در اختیار دارند. صهیونیستها از این رسانه ها برای مقاصد سیاسی، فرهنگی، دینی و اقتصادی استفاده می کنند.

فصل سوم کتاب، به نفوذ ایپک در مراکز حساس سیاسی می پردازد. یکی از مقاطعی که ایپک وارد صحنه می شود، انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری آمریکا است. ایپک غالباً از آن دسته نامزدهای غیریهودی حمایت می کند که از صهیونیسم و حق موجودیت اسرائیل حمایت می کنند و یا آماده دفاع از آن هستند. علاوه بر ابزارها و راههایی که ایپک برای اطلاع رسانی مطلوب خود استفاده می کند، در آستانه انتخابات، اقدام به برگزاری جلسات آموزشی در سراسر آمریکا برای راهنمایی اعضای خود جهت چگونگی تعامل مطلوب با انتخابات می کند. البته ایپک همیشه موفق نمی شود که

نامزدهای دلخواه خود را به کنگره بفرستد یا حتی در برخی مسایل حساس نمی تواند بر کنگره فشار آورد. مانند قرارداد فروش هواپیماهای آواکس به عربستان سعودی در سال ۱۹۸۱.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به عنوان بورس سیاسی توصیف شده است. یهودیان آمریکا در این هنگام، حالت فوق العاده اعلام می کنند و فعالیت آنها به اوج خود می رسد. معمولاً تلاشهای لابی صهیونیستی بر چگونگی نفوذ در کاخ سفید به عنوان قرار گاه اصلی تصمیم گیری آمریکا متمرکز است. بنابراین، زمان انتخابات ریاست جمهوری، تمام امکانات سازمانهای یهودی برای حمایت از نامزدی که مواضع وی بیشتر در حمایت از اسرائیل بسیج می شود. در کاخ سفید، دو پست مشاوره امنیت ملی و رییس شورای امنیت ملی برای لابی صهیونیستی، حساس تلقی می شود.

ایپک با تمام مقامات آمریکایی - خواه لیبرال، محافظه کار، دموکرات و جمهوریخواه - تعامل دارد، زیرا فقط منافع اسرائیل مطرح است.^۸

ایپک بر روند تصمیم سازی در

سیاست خارجی آمریکا - بویژه در مورد خاورمیانه - نفوذ زیادی دارد. این نفوذ و اعمال فشار از طریق کنگره، صدها سازمان سیاسی و فرهنگی یهودی، مطبوعات، رادیو و تلویزیون و ... صورت می‌گیرد. دولت آمریکا در سیاستگزاری در خاورمیانه، تحت تأثیر سه عامل زیر است:

۱. عامل اقتصادی

این، شامل سرمایه‌گذاری آمریکایی در صنایع نفتی و سرمایه‌گذاریهای صنعتی و تجاری شرکتهای آمریکایی در زمینه‌های غیر نفتی می‌شود.

۲. عامل استراتژی

این مسئله بر ضرورت ادامه برتری جهانی آمریکا در چهارچوب نظم نوین جهانی، بویژه منطقه خاورمیانه به خاطر موقعیت راهبردی آن تأکید دارد.

۳. یهودیان

سیاستهای آمریکا در خاورمیانه با سیاست اسرائیل تلاقی یا تعارض پیدا خواهد کرد و اگر شق دوم تحقق یابد، دولت آمریکا

تحت فشار لابی صهیونیستی قرار می‌گیرد تا منافع اسرائیل تأمین شود.

در سال ۱۹۶۱، پرزیدنت کندی پس از آن که شکایاتی از سوی لابی یهودی - مبنی بر این که وزارت خارجه در حمایت از اعراب سیاستگزاری می‌کند - دریافت کرد، به دستیار یهودی خود مایر فیلدمن دستور داد تمام تصمیمات وزارت خارجه - بویژه در مورد خاورمیانه - را بررسی نماید. این گام بی‌سابقه، موجب برخورد فیلدمن با دین راسک، وزیر خارجه شد که خواستار کاهش کمکهای اقتصادی و توقف کمکهای نظامی آمریکا به اسرائیل شده بود. در مقابل، فیلدمن توصیه می‌کرد که کمکها افزایش یابد. کندی، اعتراضات راسک را رد کرد و توصیه‌های فیلدمن را پذیرفت. پس از آن، فیلدمن طی یک مأموریت، شتابان به اسرائیل فرستاده شد تا به اسرائیلی‌ها اطمینان دهد که ناوگان ششم آمریکا در صورت بروز خطر، از اسرائیل حمایت خواهد کرد. مثالی دیگر در مورد نفوذ ایپک در وزارت خارجه آمریکا در مورد قضیه «استروب تالوت» است. وی از دوستان قدیمی بیل کلینتون - بویژه در دوران

تحصیل در اکسفورد - بود. تالبوت قبل از این که در سال ۱۹۹۴ برای معاونت وزارت خارجه آمریکا معرفی شود، مفسر مجله تایم بود. وی در این مجله از اقدامات اسرائیل در لبنان و بمباران راکتورهای اتمی عراق انتقاد کرده بود و خواستار سیاست متعادلتر آمریکا در خاورمیانه و کاهش کمکهای نظامی این کشور به اسرائیل شده بود. هنگامی که وی برای معاونت وزارت خارجه معرفی شد، لابی صهیونیستی، پرونده وی را مطالعه و شروع به مخالفت کرد. آنها از بیل کلینتون خواستند از نامزدی تالبوت صرف نظر کند. به طوری که وارن کریستوفر، وزیر خارجه وقت برای قانع کردن یهودیان با رهبران سازمانهای یهودی دیدار کرد. تالبوت مجبور شد در کمیته روابط خارجی سنا به مواضع انتقادی خود از اسرائیل در مجله تایم اذعان کند و از شدت مخالفت یهودیان بکاهد. بنابراین، تالبوت از مواضع سابق خود برگشت و از یهودیان عذرخواهی نمود.

فصل چهارم کتاب به روابط میان اسرائیل و آمریکا و جایگاه ایپک در این روابط می پردازد. ایپک روابط مستحکمی با اسرائیل دارد. پیوسته نگران امنیت و ثبات

آن است. فعالیت ایپک گسترده است و شامل استفاده از تمام اطلاعات موجود، پول، شخصیتها، پایگاههای انتخاباتی و فشار بر محافل سیاسی آمریکایی می شود. حتی گاهی اقدام ایپک در جهت حفظ منافع اسرائیل، به قیمت نادیده گرفتن و عدم تأمین منافع آمریکا است. تلاقی سیاست آمریکا و اسرائیل بویژه در مورد خاورمیانه و کشمکش اعراب و اسرائیل مشخص است. اسرائیل به ایپک به عنوان ستون فقرات لابی صهیونیستی برای تحقق اهداف اسرائیل - بویژه در خاورمیانه و رفع موانع در روابط اسرائیل با آمریکا - نیازمند است. نقش ایپک در ربط دادن سیاست آمریکا به اسرائیل، برای تحقق منافع اسرائیل به عنوان طرف ضعیف، به قیمت عدم تأمین منافع آمریکا به عنوان طرف قوی، حیاتی است. در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس سالانه ایپک در بیانیه پایانی آمده است که «جدایی میان آمریکا و اسرائیل» ممکن نیست. این بیانیه، خواستار تقویت روابط استراتژیک، سیاسی و اقتصادی آمریکا و اسرائیل شد و از بیل کلینتون وزیر خارجه اش، وارن کریستوفر و کنگره، به

خاطر تعهد و پایبندی‌شان به برقراری روابط مستحکم با اسرائیل، ستایش کرد. این بیانیه، مجدداً از آمریکا خواست سفارت خود در تل‌آویو را به بیت المقدس انتقال دهد. در نشست سالانه ایپک در سال ۱۹۹۲، ال‌گور، معاون وقت رییس‌جمهور و اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل سخنرانی کردند. دو طرف، خواستار حفظ سطح کنونی کمک‌های نظامی و اقتصادی به اسرائیل و گسترش همکاری‌های استراتژیک و اقتصادی و فنی دو کشور شدند.

ایپک تلاش می‌کند تا به مردم آمریکا تلقین نماید که اسرائیل بهترین متحد استراتژیک آمریکا در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... است. این در حالی است که روابط دو کشور به قیمت هزینه‌های سنگینی است که آمریکا پرداخت می‌کند. ایپک به دولت آمریکا فشار وارد می‌کند تا طرف‌های عربی بدون پیش‌شرط و بدون تحمیل راه حل، به مذاکرات دو جانبه مستقیمی با اسرائیل تن در دهند. ایپک معتقد است که اسلام، دشمن اول آمریکا و غرب است و به خطر مشابه اسلام برای اسرائیل اشاره‌ای نمی‌کند تا روح تنفر

از اسلام در کشورهای غربی و آمریکا به وجود آید و آنها را وادار سازد بدون حضور اسرائیل به مقابله با بیداری اسلامی بپردازند.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که جنبش لابی صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا، ثمره فکر صهیونیستی نژادپرستانه است که برای تأمین منافع گروه مشخصی از ابنای بشر - یعنی یهود - دست به فریب و بلوف، غصب حقوق ملت‌ها و چپاول ثروت و امکانات آنها می‌زند. بررسی جنبش‌های صهیونیستی، گام ضروری و مبرم برای شناسایی نقاط ضعف و قوت صهیونیست‌ها در جهان است. مطالعه روابط اسرائیل و آمریکا و تأثیر آن بر جهان عرب - بویژه قضیه فلسطین - میزان تأثیر گذاری یهودیان بر روند سیاستگذاری آمریکا و تنبلی و ضعف و عدم ابتکار عمل اعراب را نشان می‌دهد. در این رابطه می‌توان به گفته «جیمز ایکنز»، سفیر سابق ایالات متحده آمریکا در عربستان سعودی اشاره کرد که می‌گوید: «یهودیان به خواب نمی‌روند و اعراب بیدار نمی‌شوند.»^۹

یاسر زغیب، نویسنده کتاب «ایپک،

داستان اختاپوس صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا، پس از پایان چهار فصل، چند ضمیمه را به کتاب افزوده است که کارشناسان مسایل اسرائیل و به طور کلی خاورمیانه می‌توانند در صورت نیاز از آن استفاده کنند. ضمیمه اول، مربوط به فهرست مهمترین سازمانهای یهودی آمریکایی است که عملاً در زمینه حمایت از اسرائیل فعالند. این فهرست به زبانهای انگلیسی و عربی با علایم اختصاری انگلیسی هر سازمان است. ضمیمه دوم، فهرست

اسامی اعضای کنگره آمریکا است که از یهودیان رشوه گرفته‌اند. ضمیمه سوم، متن سخنرانی «لس آسپین»، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در نشست ایپک در واشنگتن است. ضمیمه چهارم، گزارش سالانه ایپک در اوت ۱۹۹۳ و ضمیمه پنجم، متن مصوبه سنای آمریکا در مورد انتقال کنسولگری آمریکا از تل آویو به بیت المقدس است.

یادداشتها:

۱. اللجنة الاسرائيلية و الامريكیة للشؤون العامة.
معادل آن در انگلیسی

American Israel Public Affairs Committee
(AIPAC)

۲. به نقل از معرفی کتاب توسط ناشر در پشت جلد.

3. Isaiah Kenen

۴. الانشطة

۵. المسرح

۶. الصحافة

۷. الاعلام المرئي و المسموع

۸. برای کسب اطلاعات بیشتر از چگونگی اثر گذاری ایپک بر کنگره و اعضای آن، رجوع کنید به منبع: پل فندلی، آنهايي پوده سخن می‌گویند، ترجمه حیدر سهیلی اصفهانی، تهران: انتشارات قومس، بی تا.

۹. روزنامه النهار، چاپ بیروت ۹۷، ۴، ۵



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی